

رادیو در کشاکش سیاست و اجتماع

● حمیدرضا پاشا زانوس
دانشجوی دکتری تاریخ ایران، دانشگاه تهران

■ تاریخ تحولات اجتماعی رادیو در ایران

■ رضا مختاری اصفهانی

■ انتشارات طرح آینده، چاپ اول، ۱۳۸۸، تعداد صفحات: ۲۴۳

کلیات کتاب

اداره‌ی کل پژوهش‌های رادیو طی چند سال اخیر مجموعه کتاب‌های پژوهشی متنوعی را در حوزه‌ی تخصصی رسانه‌ی رادیو منتشر ساخته است که بخشی از آن‌ها در ارتباط مستقیم با موضوع تاریخ و پیشینه‌ی رادیو قرار می‌گیرند. اما مقوله‌ی رادیو و تحولات تاریخی جامعه‌ی ایران و تأثیر و تأثرات این دو بریکدیگر از جمله موضوعاتی است که خلاء نبود آثار شاخص و متعدد در این حوزه برای علاقه‌مندان به شدت احساس می‌شود، خوشبختانه در نیمه نخست امسال کتابی در این حوزه با عنوان «تاریخ تحولات اجتماعی رادیو در ایران» به قلم آقای رضا مختاری اصفهانی منتشر شد که می‌تواند آغازگر خوبی برای انجام پژوهش‌های کامل و جزئی‌نگرتر در این حوزه باشد.^۱

رضا مختاری اصفهانی از جمله پژوهشگران و محققان نام‌آشنای حوزه‌ی تحقیقات تاریخ معاصر هستند که پیش از نیز چندین اثر شایان توجه در زمینه اسناد و مکتوبات ایران در دوران پهلوی و قاجار منتشر ساخته‌اند.^۲ این اثر دارای ۵ فصل در ۱۷۷ صفحه و مجموعه‌ای تحت عنوان ضمایم است که از دو سند و سه مصاحبه در ۳۸ صفحه تشکیل شده و با همکاری اداره کل پژوهش‌های رادیو، گروه پژوهشی مطالعات فرهنگی و جهاد دانشگاهی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران منتشر شده است. در مقدمه‌ی یازده صفحه‌ای کتاب، مختاری اصفهانی بعد از اشاره‌ای کوتاه به ارتباط «ایدئولوژی» و «قدرت» در عرصه‌ی سیاست، به بررسی اجمالی تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران از دوران صفویه به بعد پرداخته است. تأکید مؤلف در این مقدمه بیشتر بر موضوع عناصر دخیل در «هویت ملی ایرانیان» و «خودآگاهی ملی» در اواخر دوران قاجار و اوایل عصر پهلوی است. از جمله نکات بارز در این مقدمه اشاره به این موضوع است که «مشروطه شدن ایران برای ناسیونالیسم ایرانی قرین توفیق نبود ... بعد از خلع محمدعلی شاه آنچه بیشتر در نظر ایرانیان نمود داشت، دخالت‌های بیگانگان در امور داخلی‌شان در غیبت استبداد شاهی بود. از این رو استعمارستیزی بر وجه آزادی‌خواهی و استبدادستیزی ناسیونالیسم ایرانی غالب شد.» (صفحه ج) در ادامه‌ی مقدمه، اشاره‌هایی به مجموعه اقدامات فرهنگی دوران سلطنت رضاشاه: تأسیس احزاب



فرمایشی با اهداف خاص، ایجاد انجمن‌های فرهنگی و «سازمان پرورش افکار» توضیحات اجمالی داده می‌شود تا ایدئولوژی رژیم پهلوی که به عقیده مؤلف مبتنی بر «ناسیونالیسم، تجدد غربی، شاه‌پرستی و تشکیل حکومت عرفی» بود برای خوانندگان تشریح شود. دو صفحه‌ی پایانی مقدمه نگاهی اجمالی به مجموعه فصول و ضمایم اثر است.

محتوای کتاب

فصل اول با عنوان «رادیو و سیاست» با بررسی شرایط سیاسی جامعه‌ی ایران در آستانه‌ی تأسیس رادیو آغاز می‌شود. رادیو به عنوان رسانه‌ای فراگیر تحت نظارت و اداره‌ی سازمان پرورش افکار تأسیس شد تا «گفت‌وگو میان نخبگان و روشنفکران را به توده‌های جامعه تسری دهد» (ص ۱) ذکر پیشینه‌ای اجمالی از محدودیت‌ها و کنترل‌های متعدد بر «دستگاه گیرنده‌ی رادیو» که به جهت شنیدن صدای رادیو ممالک دیگر استفاده می‌شدند، گوشه‌ای از شرایط سیاسی جامعه‌ی آن روز ایران در آستانه‌ی تأسیس رادیو است. در بخش سانسور، مؤلف به نکته‌ای جالب اشاره کرده است «اگر سانسور مطبوعات پس از تولد روزنامه‌ها ایجاد شد، سانسور رادیو پیش از ایجاد این رسانه به صحنه آمد» (ص ۳)

در ادامه این فصل مشکلاتی که رسانه‌ی رادیو از همان ابتدای تأسیس در زمینه‌ی سانسور و کنترل شدید دربار با آن درگیر بود، به اجمال طرح شده است. اشاره به چرخش خط مشی دربار رضاشاه در طی دوران جنگ جهانی دوم و به تبع آن چرخش و سانسورهای شدید رسانه‌ی همه‌گیر رادیو در این دوران، از دیگر بخش‌های جالب فصل اول کتاب است. مؤلف در ادامه به شرایط حاکم بر رادیو و برنامه‌های آن در دوران بعد از سقوط حکومت رضاشاه پرداخته و تشریح می‌کند که چگونه «با تضعیف نهاد سلطنت از پی شهریور ۱۳۲۰، نهاد دولت بر سیاست‌گذاری‌های رادیو تأثیرگذار شد و این وضعیت هم، با آمد و شد دولت‌های گوناگون در نوسان بود» (ص ۶) همچنین شرح این روند که چگونه دولت‌های مختلف از رادیو به‌عنوان «دستگاه تبلیغ و مداحی» سیاست‌های خود بهره می‌گرفتند و حاضر به تحمل کوچک‌ترین صدای مخالفی از این تریبون نبودند، از دیگر بخش‌های خواندنی این فصل است.

یکی از نکات شایان توجه در فصل نخست که مختاری به‌طور گذرا به آن اشاره کرده است، موضوع انحصار رسانه‌ای است، نویسنده در صفحه‌ی هفت کتاب به تعطیلی رادیو ژاندارمری در سال ۱۳۲۸ و رادیو شهربانی در سال ۱۳۲۹ اشاره دارد، اما در صفحات پیشین نیاورده است که این دو رادیو در چه زمان و براساس چه نیازی ایجاد شدند. در نهایت با تلاش‌های دولت وقت به بهانه‌ی برقراری تمرکز رسانه‌ای به تعطیلی کشانده شدند و روندی پدید آمد که تا سال‌های سال باقی ماند: «تکثر در عرصه‌ی مطبوعات در مورد رادیو تکرار و تجربه نشد» (ص ۷)

از دیگر موارد مطرح شده در فصل «رادیو و سیاست» مناقشات متعدد پیرامون «بخش مذاکرات یا نطق نمایندگان مجلس شورای ملی» است که تا مدت کوتاهی بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ خورشیدی ادامه

داشت. از دوران مجلس هجدهم به بعد، روند اولیه رادیو دوباره تکرار شد و با قدرت گرفتن دربار و سیطره‌ی آن بر تمامی رسانه‌ها، رادیو نیز رویکردی انتقادی اما محدود درباره‌ی دولت و مجلس در پیش گرفت که تا آستانه‌ی انقلاب اسلامی ادامه یافت.

بخش بعدی فصل نخست کتاب، «سیاست تبلیغی دولت» نام دارد، صفحات اولیه آن به نوعی تکرار دوباره‌ی اهداف دربار و حکومت رضاشاه از تأسیس رادیو بعنوان زیر مجموعه‌ای از اداره‌ی پرورش افکار است. در ادامه موضوع تجهیزات و امکانات رادیو در روزهای اولیه بعد از تأسیس و در دوران جنگ جهانی دوم جهانی و اشغال ایران توسط متفقین، مطرح شده است، اما موضوع اصلی که چند صفحه‌ی پایانی فصل به آن اختصاص یافته تأثیر و نقش رادیو در تعدادی از رویدادهای مهم دوران پهلوی دوم است، در این مورد مؤلف با اشاره به برخی از زوایای زندگی یکی از مهم‌ترین گویندگان رادیو در آن دوران، یعنی **رضا سجادی** و با اشاره به نقش آفرینی‌های او در برخی حوادث، سعی در روشن کردن میزان تأثیر رسانه‌ی رادیو در وقایع آن دوران دارد؛ رویدادهایی چون بازپس‌گیری آذربایجان از نیروهای فرقه‌ی دمکرات و همچنین مخالفت‌های نخست‌وزیر وقت، **رزم‌آرا** با روند ملی شدن صنعت نفت ایران، از دیگر وقایعی است که مختاری ضمن اشاره به آن‌ها از نقش رادیو در آن حوادث یاد کرده است. در ادامه، به حوادث بعد از ملی شدن صنعت نفت تا کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲، دورانی که دکتر حسین فاطمی علاوه بر عهده‌داری منصب وزارت خارجه و سخن‌گویی دولت دکتر محمد

با انجام اصلاحات ارضی، رادیو برنامه‌های ویژه‌ای تهیه کرد که هدف آن بالا بردن سطح معلومات فنی و اجتماعی کشاورزان اعلام گردید... رادیو بنیان‌های سنتی جامعه‌ی روستایی ایران را متزلزل ساخت

در انتقاد گسترده از رضاشاه و گسترش و تأسیس ایستگاه‌های فرستنده‌ی رادیویی برای پوشش هرچه بیشتر اخبار مورد نظر متفقین در ایران و تلاش‌های شخص اول مملکت و رئیس اداره کل انتشارات و تبلیغات یعنی دکتر عیسی صدیق و نخست وزیر وقت محمدعلی فروغی برای پاسخ به زیاده‌خواهی‌های متفقین و به‌ویژه انگلیسی‌ها از جمله نکات جالب توجه در این بخش است. (ص ۳۳ تا ۳۶)

طنز عبرت‌آموز تاریخ در نکته‌ی پایانی این بخش دیده می‌شود: «رضاشاهی که پدر ملت ایران محسوب می‌شد... به خط قرمزی در رسانه‌ها، به‌ویژه رادیو تبدیل شد، خط قرمزی نه در حرمت او که در منع ستایش‌اش...» (ص ۳۷)

بخش دوم این فصل با عنوان «رادیو در دوران اشغال» به بررسی وضعیت رادیو در ایران تحت اشغال متفقین اختصاص دارد، روزگاری اسفبار که مسئولین وقت به دنبال پیمان اتحاد اجباری با متفقین اشغالگر در نهم بهمن ماه ۱۳۲۰ مجبور به هر گونه تمکین درباره زیاده‌خواهی‌های متفقین بودند و براساس برخی بندهای همین پیمان، متفقین به دخالت گسترده و تحت کنترل درآوردن رادیو در ایران اقدام کردند.

«پلمپ برخی اماکن دارای رادیو، دستور برای برداشتن رادیوهای تمامی اتومبیل‌ها، درخواست جهت پخش برنامه‌های مستقل از رادیو تهران» از جمله این دخالت‌های متعدد بود، تأسفبار اینجاست که بنا به نظر مؤلف کتاب و براساس یکی از اسناد مورد استفاده‌ی وی، سفارت ترکیه به نمایندگی از دولت این کشور و همچنین لهستانی‌های حاضر در ایران اشغال شده نیز، برنامه‌های مستقلی در رادیو تهران داشتند! (ص ۴۱)

البته آن‌چنان‌که در ادامه اثر اشاره می‌شود، با آشکار شدن علائم شکست در جبهه‌ی آلمان‌ها اختلاف‌های میان دول متفق نیز آشکار شد که یکی از موارد مهم مورد اختلاف نیروهای اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان نحوه‌ی جانبداری از دولت و ملت لهستان بود که در رادیو تهران نیز نمود می‌یافت. مشکلات ایران در عرصه‌ی رادیو با نیروهای متفق و به ویژه نیروهای اتحاد جماهیر شوروی به همین موارد ختم نمی‌شود برخی دردسرهایی که برنامه‌های نیروهای روس شوروی در ایران پدید آوردند و در ادامه سیاست رسانه‌ای و تبلیغاتی که شوروی در زمان خروج سایر نیروهای متفق از ایران در پیش گرفت و آذربایجان و کردستان ایران را در اشغال نگه داشت و سعی در جدایی آن‌ها از ایران داشت،

مصدق نقش اساسی در فعالیت‌های رسانه‌ای دولت و به‌ویژه رسانه‌ی رادیو داشت، اشاره شده است. آخرین مجموعه رویدادهای این فصل که در ارتباط با رادیو از آن‌ها صحبت می‌شود، مجموعه اقدامات اصلاحی محمدرضا شاه است که معمولاً تحت عنوانین انقلاب شاه و ملت، انقلاب سفید و اصلاحات ارضی از آن‌ها یاد می‌شود.

«با انجام اصلاحات ارضی، رادیو برنامه‌های ویژه‌ای تهیه کرد که هدف آن بالا بردن سطح معلومات فنی و اجتماعی کشاورزان اعلام گردید... رادیو بنیان‌های سنتی جامعه‌ی روستایی ایران را متزلزل ساخت.» (ص ۲۳ و ۲۴)

نکته‌ی مهمی که در پایان این فصل به آن اشاره می‌شود، عدم موفقیت رسانه‌ی مهم و فراگیرشده‌ی رادیو در جذب مشروعیت برای سلطنت پهلوی است و اینکه این رسانه سرانجام مغلوب پایگاه مهمی چون مساجد و حسینیه‌ها شد.

در فصل دوم با عنوان «رادیو و جنگ» درباره‌ی ارتباط رادیو با سه جنگ جهانی دوم؛ اعراب و اسرائیل؛ ایران و عراق مطالبی طرح شده است.

حجم مطالب ارائه شده درباره ارتباط رادیو و جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط نیروهای متفقین (انگلستان، شوروی و ایالات متحده آمریکا) در مقایسه با دو مورد دیگر بیشتر است و این موضوع در دو بخش از فصل دوم ارائه شده است.

در بخش جنگ جهانی دوم و اشغال ایران مؤلف به شرایط سیاسی و تا حدی اجتماعی ایران در آستانه‌ی حمله متفقین به کشور ایران پرداخته و چگونگی تغییر رویکرد دولت مردان ایران و رضاشاه که در آینه‌ی مطبوعات نیم‌بند آن دوران و رسانه‌ی تحت نظارت شدید رادیو انعکاس می‌یافت، را در دو دوره‌ی پیش از هجوم متفقین به مرزهای ایران و پس از آن واکاوی کرده است.

هرچند که رویکرد غالب در این بخش توجه به تحولات سیاسی است و نقش و کارکرد رسانه‌ی رادیو در این زمینه کمتر مورد توجه مؤلف محترم واقع شده - که به احتمال ناشی از کمبود اسناد و مدارک است - اما در همین موارد مطرح شده، درباره تحولات سیاسی و درگیری‌های رؤسای مملکت و شخص رضاشاه نیز نکاتی دیده می‌شود که در سایر آثار از این دست کمتر دیده شده است. اشاره به نقش رادیو «بی‌بی‌سی»

گسست میان دولت و ملت (در دوره‌ی محمدرضاشاه)
 موجب شده بود که هر تبلیغی در نظر مردم عوام فریبی
 جلوه کند در حالی که رژیم سعی می‌کرد کشورهای دیگر
 را تحت پوشش امواج رادیویی خود قرار دهد، مردم ایران
 گوش به نوای رادیوهای بیگانه داشتند

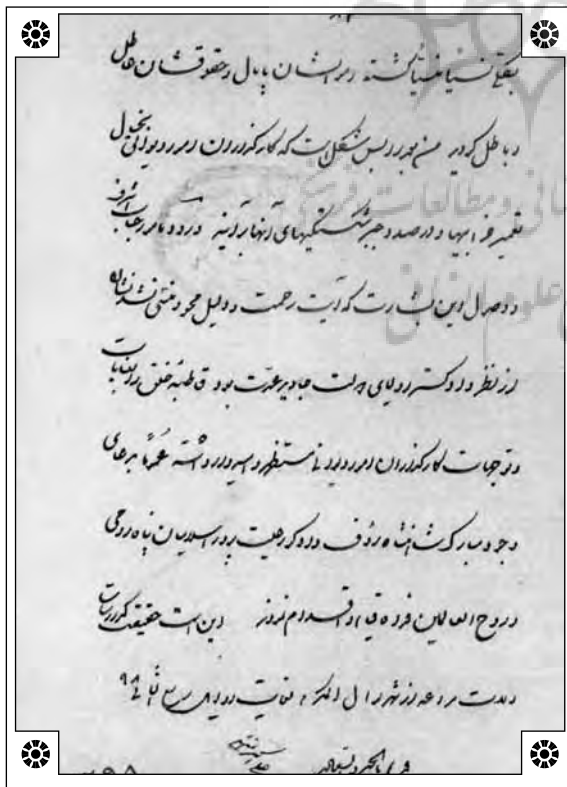
سیاست و اجتماع

داد.» (ص ۵۶)
 ایجاد رادیو زاهدان برای مرزهای شرقی ایران، تلاش برای بهره‌گیری
 از تجهیزات جدید به علاوه‌ی در نظر گرفتن شرایطی برای تبلیغات
 رسانه‌ای در کشورهای اروپایی و آفریقایی از جمله اقدامات رسانه‌ای
 حکومت پهلوی، مورد اشاره در این بخش است اما «گسست میان دولت
 و ملت موجب شده بود که هر تبلیغی در نظر مردم عوام فریبی جلوه
 کند در حالی که رژیم سعی می‌کرد کشورهای دیگر را تحت پوشش
 امواج رادیویی خود قرار دهد، مردم ایران گوش به نوای رادیوهای بیگانه
 داشتند.» (ص ۵۸ و ۵۹)

جنگ سومی که در فصل دوم ارتباط و نقش رسانه‌ی رادیو با آن یاد می‌شود
 جنگ تحمیلی است: «جنگ ایران و عراق (۱۳۵۹)». توضیح شرایط
 نابه‌سامان ایران پس از انقلاب و تغییرات رخ داده در رادیو و تلویزیون ایران

از جمله دیگر نکات مورد توجه در این اثر است. مختاری، در ادامه
 دوباره به سیاست‌های غلط دستگاه رضاشاه می‌پردازد. سیاست‌هایی که
 زمینه‌ی استفاده نیروهای شوروی برای تبلیغات فرهنگی به نفع خود و به
 جهت جدا ساختن مناطق آذربایجان از ایران را فراهم ساخت. «سیاست
 تمرکزگرایی موجب جذب نخبگان مناطق مختلف به مرکز حکومت و
 خالی شدن این مناطق از نخبگان ملی اندیش گردیده بود. تجدید نظر
 در سیاست مذکور موجب شد که به خرده فرهنگ‌ها و زبان قومیت‌ها
 احترام گذاشته شده و رادیو اولین گام را در این مسیر بردارد. تأسیس اداره
 تبلیغات و انتشارات در آذربایجان برای تهیه و تولید برنامه‌های مستقل از
 رادیو تهران مهم ترین اقدامی بود که در این راستا انجام شد.» (ص ۴۷)
 نکته‌ی مهمی که مؤلف اثر در پایان این دو بخش از فصل دوم به آن
 اشاره می‌کند توجه به اعتلای ایران فارغ از افراد، به عنوان وجه دیگری
 از ناسیونالیسم ایرانی بود که پس از جنگ دوم جهانی نمایان شد و رادیو
 با ساخت و پخش سرود «ای ایران» چنین تحولی را ثبت کرد.

بخش بعدی فصل دوم با عنوان ظاهری «جنگ اعراب و اسرائیل
 (۱۳۴۶)» پیش از آنکه به طور مستقیم به جنگ میان اعراب و رژیم
 اشغالگر قدس بپردازد به موضوع تقابل ایران با دولت بعثی عراق در طی
 دوران حکومت پهلوی دوم در دهه‌ی ۴۰ و ۵۰ خورشیدی اختصاص
 یافته است. عراق به عنوان کشوری که محل استقرار مخالفان رژیم ایران،
 از جمله آیت‌الله خمینی، رهبر فقید مردم ایران در دوران ستم‌شاهی و
 بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، رئیس پیشین ساواک و نیروهای چپ
 بود، مورد حملات شدید رسانه‌ای دولت ایران قرار داشت. مؤلف اثر بعد از
 اشاره‌ای کوتاه به جنگ اعراب و اسرائیل و تشکیل کمیته‌ی اطلاعات و
 تبلیغات در هیئت دولت وقت ایران بیشتر صفحات مربوط به این بخش
 را به موضوع تقابل رسانه‌ای ایران و عراق و رادیو اهواز و رادیو بغداد
 و میزان تأثیرگذاری این دو رسانه متخاصم اختصاص می‌دهد؛ و در این
 میان به اجمال به اسرائیل بعنوان یکی از محورهای حملات این دو
 رادیو به یکدیگر هم اشاره می‌کند. در صفحات پایانی این بخش از تعبیر
 رویه ایران در این خصوص صحبت شده است «تمامی این اقدامات با
 بیانیه‌ی ۱۹۷۵ الجزایر و توافق دو دولت مبنی بر ترک مخاصمه، مهر
 پایان خورد. دولت ایران در این دوره علاوه بر ایجاد چتر تبلیغاتی برای
 عراق و کشورهای عربی، کشورهای اسلامی دیگر را نیز مورد توجه قرار



در بخش جنگ جهانی دوم و اشغال ایران، مؤلف به شرایط سیاسی و اجتماعی ایران در آستانه‌ی حمله متفقین به کشور ایران پرداخته و چگونگی تغییر رویکرد دولت مردان ایران و رضاشاه که در آینه‌ی مطبوعات نیم‌بند آن دوران و رسانه‌ی تحت نظارت شدید رادیو انعکاس می‌یافت

بهره‌گیری دولت دکتر مصدق از همه‌ی تریبون‌ها و رسانه‌های تأثیرگذار جامعه در ماه رمضان سال ۱۳۳۱ خورشیدی، ماهی که مصدق به دادگاه لاهه سفر می‌کرد و نخست وزیر می‌خواست شرایط درونی جامعه را با سیاست‌های خود هماهنگ کند، اشاره کرد. (ص ۷۵ تا ۷۸)

بخش بعدی این فصل با عنوان «از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲» درباره‌ی مجموعه تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در طی این دوران سرنوشت‌ساز است؛ بعد از تشریح مجموعه رویدادهایی که سبب به قدرت رسیدن قوام در تیر ۱۳۳۱ شد، مؤلف از ماجرای پخش اعلامیه معروف قوام از رادیو و تبعات و نتایج آن می‌گوید که سرانجام به سقوط دولت وی منتهی شد. ادامه‌ی این بخش از فصل دوم به روند شکل‌گیری کودتا برضد دولت دکتر مصدق و تلاش کودتاگران و دربار برای استفاده از رسانه‌های متعدد و بویژه رادیو برای تخریب چهره‌ی دولت و بدنام کردن دکتر مصدق اختصاص دارد. «رادیو علاوه بر این که یک رسانه مهم برای ارتباط کودتاچیان با مردم بود، سلاخی در اختیار دولت نیز جهت خنثی کردن تبلیغات آنان بود. براین مبنای تسخیر رادیو در دستور کار کودتا قرار داشت. اما کودتاچیان فرصت استفاده از رادیو را نیافتند.» (ص ۸۷)

از دیگر موارد مورد اشاره در این بخش، پخش ماجرای میتینگ ۲۵ مرداد سال ۳۲ از رادیو و تأثیرات آن در جامعه و همچنین سایر اقدامات دولت جهت استفاده از رادیو برای مغلوب کردن کودتاگران در ۲۵ و ۲۶ مرداد، کاهش فعالیت رادیو تهران در ۲۷ مرداد به خواست دولت و همچنین سکوت رادیو تهران از عصرگاه ۲۷ مرداد است، ماجرای سقوط رادیو و تصرف آن توسط کودتاگران نیز از جمله رویدادهای ذکر شده در چند صفحه از این فصل است. در دوران بعد از کودتا مسئولین رادیو سعی در تغییر فضای حاکم بر رادیو و ایجاد جذابیت در برنامه‌های رادیویی کردند.

«جامعه پس از کودتای ۲۸ مرداد در بهت و ناباوری از آنچه رخ داده بود، به سر می‌برد و رادیو، سینما و مطبوعات پس از کودتا همچون مخدرهایی سعی می‌کردند این گیجی را بیشتر کنند.» (ص ۹۵)

«جنبش ضدبهای» عنوان بخش بعدی فصل سوم است که در آن مؤلف بعد از تشریح اجمالی ارتباط روحانیت با دستگاه حکومت پهلوی در بعد از کودتای ۲۸ مرداد، به بررسی مخالفت‌های گسترده مذهبیین جامعه ایران با رهبری آیت‌الله بروجردی و حجت‌الاسلام فلسفی خطیب مشهور با قدرت‌گیری و ابراز وجود آشکار بهائیان در جامعه آن روز ایران طی

آغازگر این بخش است و اشاره به برنامه‌ها و شرایط حاکم بر رادیو در روزهای آغازین جنگ از جمله نکات جالب توجه آن است. «رادیو تنها یک وسیله اطلاع‌رسانی نبود، بلکه پل ارتباطی میان مردم و نیروهای جبهه‌ها بود. رادیو در دوران جنگ هشت ساله ایران و عراق وظیفه‌ای فراتر داشت. رادیو شروع به فرهنگ سازی درباره‌ی جنگ کرد.» (ص ۶۱)

طولانی شدن جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران سبب تأسیس رادیویی تخصصی به نام «رادیو جبهه» شد، اشاره به اهداف این رادیو و برنامه‌های گسترده و هدفمند آن از مطالب مورد اشاره در این بخش تقریباً کوتاه است. «نگارنده اذعان دارد که درباره‌ی نقش رادیو در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران سخن بسیار است و لازم است با جمع آوری اسناد و مدارک بسیار به بررسی آن پرداخته شود.» (ص ۶۵)

فصل سوم کتاب با عنوان «رادیو در جنبش‌های ملی و مذهبی» با اشاره به تحول ناسیونالیسم ایرانی در رادیو آغاز می‌شود، موضوعی که مؤلف کتاب، پیشتر نیز در فصل اول و دوم به آن‌ها اشاره‌ای داشت، مؤلف یکی از نمودهای بارز این تحول را پخش سرود معروف «ای ایران» از رادیو می‌داند و در ادامه نیز «دوری از کیش شخصیت، عدم تمرکزگرایی فرهنگی و توجه به هویت مذهبی جامعه» را از شاخصه‌های مهم این تحول برمی‌شمرد. (ص ۶۸)

بخش دوم این فصل همان‌طور که از عنوان آن «جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران» برمی‌آید به تحولات اجتماعی و سیاسی ایران در آستانه‌ی ملی شدن صنعت نفت ایران تا پس از کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ و نقش و کارکرد رادیو در این تحولات اختصاص یافته است. نکته‌ی مهمی که تقریباً در کل این کتاب به طور متناوب دیده می‌شود، تکرار برخی حوادث و رویدادهاست؛ در فصل اول به مناسبت موضوع رادیو و سیاست، به بهره‌برداری دولت‌ها و دربار در دوران محمدرضاشاه از رسانه‌ی رادیو اشاره شد ولی ارتباط رادیو و دولت دکتر مصدق به طور اجمال در چند صفحه بررسی شده بود، اما در این فصل با اسناد و توضیحات بیشتری، کارکرد رسانه‌ی فراگیر رادیو در دوران دولت دکتر محمد مصدق تشریح شده است.

رویکرد مؤلف در این فصل توجه دادن خواننده به استفاده‌ی دولت دکتر مصدق از رسانه‌ی فراگیر رادیو در جهت جذب اقشار مختلف مردم جامعه آن روز ایران است. از جمله موارد شایان توجه ذکر شده می‌توان به: روند

**مسئولین وقت به دنبال پیمان اتحاد اجباری با متفقین
اشغالگر در نهم بهمن ماه ۱۳۲۰ مجبور به هر گونه تمکین
در باره زیاده‌خواهی‌های متفقین بودند و براساس برخی
بند‌های همین پیمان، متفقین به دخالت گسترده و تحت
کنترل در آوردن رادیو در ایران اقدام کردند**

سیاست و اجتماع

دهه‌ی ۳۰، پرداخته است؛ در این بخش به نقش رسانه‌ها و رادیو چندان اشاره‌ی نشده و تنها از مجموعه سخنرانی‌های حجت‌الاسلام فلسفی که از رادیو پخش می‌شد و مخاطبان گسترده‌ای که داشت ذکری به میان آمده است. بخش پایانی فصل سوم آنچنان که از نام آن «قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲» برمی آید به مجموعه حوادث پیرامون این رویداد مهم اختصاص دارد. قسمت‌های ابتدایی آن بیشتر در ارتباط با مطالب بخش قبلی و در خصوص درگیری‌های سیاسی دربار و رژیم شاه با بخشی از روحانیت است، درگیری‌هایی همچون کنایه‌های نیش دار و حمله به وعاظ از جمله خطیب مشهور حجت‌الاسلام فلسفی در رادیو.

«رژیم پهلوی دوره‌ی جدیدی را آغاز کرده بود؛ دوره‌ای که نهاد روحانیت نه همراه که مطیع خواسته می‌شد. همچنین به نظر می‌رسد رژیم با این اقدامات درصدد تست واکنش مذهبیون بوده است.» (ص ۱۰۸)

تشریح شرایط ایران در زمان به قدرت رسیدن علی امینی و اقدامات او و در نهایت برکناری‌اش، ماجرای اصلاحات ارضی و به قدرت رسیدن اسدالله علم به‌عنوان فرد مورد اعتماد شاه، مخالفت روحانیون و دل‌نگرانی‌های آنان از انقلاب سفید و فراندوم از تحولات مهم مورد اشاره در ادامه این بخش است. چگونگی پوشش خبری - رسانه‌ای سخنرانی تند و توهین آمیز شاه در چهارم بهمن ماه ۱۳۴۱ از نکات جالب این بخش است. به دنبال این رویدادها مؤلف توضیحات نسبتاً مفصلی در خصوص پیشینه‌ی سرپرست اداره کل تبلیغات و رادیو، در زمان نخست‌وزیری علم، جهانگیر تفضلی ذکر می‌کند، فردی که مورد حمایت گسترده محمدرضاشاه بود. «مخالفان مذهبی رژیم نه تنها در عرصه سیاسی که در عرصه تبلیغاتی نیز با آمدن تفضلی روزگار سختی را آغاز کردند. تفضلی در فروردین ماه ۱۳۴۲ دستور داد بلندگوهای متعددی در سطح شهر قم نصب شده و برنامه‌های رادیو ایران برای اهالی شهر پخش شود.» و مجموعه اقدامات فرهنگی هم او بود که سبب آزدگی خاطر علمای بزرگ شد و بخشی از رویارویی رژیم و مذهبیون از همین راه پدید آمد. (ص ۱۱۷ و ۱۱۸). این رویارویی در راهپیمایی مردم در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در حمایت از آیت الله خمینی (ره) به اوج خود رسید. مختاری اصفهانی در صفحات انتهایی این فصل، نحوه پوشش تبلیغاتی ماجرای ۱۵ خرداد و بازخورد آن میان علما و روحانیون طراز اول را از طریق بررسی اسناد متعدد بازمانده است، این فصل با نگاهی کوتاه و گذرا به وضعیت رادیو در آستانه انقلاب اسلامی

به پایان می‌رسد. فصل چهارم کتاب با نام «فرهنگ و رادیو» با توضیحاتی پیرامون دلیل افتتاح رادیو به‌عنوان یک دستگاه آموزشی برای پرورش افکار، آغاز می‌شود موردی که مؤلف کتاب بارها بار در صفحات پیشین به آن اشاره کرده است.

آنچه در این بخش از فصل چهارم تازه می‌نماید، اشاره به زمینه‌چینی‌ها و تدارک‌های حکومت رضاشاه برای فراگیر کردن رادیو در کشور و شرح رئوس و وظایف در نظر گرفته شده برای رادیو است.

بخش بعدی با نام «زبان فارسی و هویت فرهنگی» به تلاش حکومت پهلوی در جهت استفاده از رادیو برای اشنائی درست‌گویی و درست‌نویسی به زبان فارسی در میان تمامی اقشار جامعه آن روز ایران است، امری که بنا به نظر نویسنده کتاب با کمک بزرگان عرصه فرهنگ و ادب آن روز ایران همچون استاد سعید نفیسی و دکتر هوشیار اجرائی شد. در ادامه به تلاش‌های فرهنگی دولت به جهت خنثی کردن فتنه‌ی جدایی‌طلبان فرقه دمکرات آذربایجان اشاره شده است «کارگزاران حکومتی به تدریج دریافته‌اند که با احترام به فرهنگ اقوام می‌توان از ایجاد فرهنگ پنهان و تقابل آن با فرهنگ رسمی جلوگیری کرد. بر این اساس اداره انتشارات و تبلیغات آذربایجان هم زمان برنامه به زبان فارسی و زبان آذری تهیه می‌کرد.» (ص ۱۳۴)

در بخش «رادیو و آموزش» به تلاش‌های مسئولین رادیو برای آموزش الفبای فارسی از طریق این رسانه اشاره شده و در ادامه، مؤلف مطالب نسبتاً مفصلی در خصوص تعلیم و تربیت کودکان و فعالیت رادیو نوشته است «رادیو از همان آغاز تأسیس، گفتاری مخصوص آنان داشت. فضل‌الله صبحی مهدی، گوینده‌ی گفتار کودکان یا به قول امروز قصه‌گوی کودکان بود» (ص ۱۳۷) دنباله‌ی این بخش شامل مطالبی درباره‌ی برنامه‌ی «صدای فرهنگ» با رویکرد آموزشی و مورد حمایت وزارت فرهنگ است، برنامه‌ای که به عقیده نویسنده، بسیار کارا تر از سیستم آموزشی وزارت فرهنگ می‌توانست سیاست‌های رژیم را دنبال کند. (ص ۱۴۱)

در بخش بعدی فصل چهارم «برنامه‌ی فرهنگ مردم» با موضوع فرهنگ فولکلوریک و رادیو مورد توجه است و تأکید مؤلف بر بهره‌گیری از خاطرات و نظرات استاد ابوالقاسم انجوی شیرازی، به‌عنوان یکی از

بزرگان و پیشروان این عرصه طرح شده است. از جالب‌ترین بخش‌های این فصل و کتاب، بخش‌های پایانی فصل چهارم است که در آن مؤلف سیاست‌های فرهنگی رژیم شاه در اواخر دهه‌ی چهل و اوایل دهه‌ی پنجاه خورشیدی را از منظری کلی، ولی متفاوت از برخی قرائت‌های رایج مورد بررسی قرار می‌دهد و تناقض‌های درونی آن را براساس برخی شواهد و مدارک آشکار می‌کند.

فصل پنجم، «شعر و موسیقی در رادیو» نام دارد و در بخش نخست به پیشینه‌ی موسیقی و شعر به‌عنوان بازتاب و برآیند اوضاع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یک جامعه اشاره می‌شود، پیشینه‌ای که از ایران باستان و عصر زرتشت آغاز و تا دوران معاصر ادامه می‌یابد. در بخش دوم با عنوان «شعر و موسیقی در رادیو رضا شاهی» به نحوه بهره‌گیری رادیو از موسیقی و هنرمندان این عرصه پرداخته شده است. سرودهای مورد استفاده در مراسم افتتاح رادیو و ایدئولوژی پهلوی اول در خصوص بهره‌گیری از موسیقی، از موارد طرح شده در این بخش است، اما مفصل‌ترین موضوع مورد اشاره چگونگی تقابل دو اداره‌ی متولی موسیقی کشور در آن دوران است، تقابل «اداره‌ی کل انتشارات و تبلیغات» و «اداره‌ی موسیقی کشور» که ناشی از نگرش‌های متفاوت اما درست مسئولین هریک از این ادارات بود. نویسنده کتاب ذکر می‌کند که چگونه این تقابل‌ها حتی در دوران اشغال ایران توسط متفقین نیز ادامه می‌یابد. در بخش بعدی «شعر و موسیقی رادیو پس از شهریور بیست»، مختاری اصفهانی با استفاده از منابع و مآخذ متعدد که بیشتر شامل خاطرات بزرگان و هنرمندان این عرصه است، به رویکردهای حاکم بر رادیو در عرصه موسیقی پرداخته است؛ رویکردهایی که گاه فراز و فرودهای بسیاری را دارا بودند. اشاره به موسیقی مناطق و تحولات عرصه موسیقی بعد از کودتای ۲۸ مرداد و سعی در رجعت و توجه به بزرگان عرصه موسیقی، تصویب اساسنامه‌ی شورای عالی موسیقی و گله‌های بزرگان این عرصه از روند ابتدال در موسیقی رادیو، از موارد شایان توجه در این بخش است. یادآوری برخی برنامه‌های شاخص و ماندگار آن روزهای رادیو در عرصه موسیقی همچون گل‌های جاویدان پایان این فصل از کتاب است.

در پایان کتاب بخش ضمیمه آن قرار دارد که شامل ۵ ضمیمه است: **ضمیمه نخست** سندی است مربوط به فرمان دفتر سیاسی کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به **میرجعفر باقروف**، صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان، در مورد «اقداماتی جهت سازماندهی یک جنبش جدایی طلب در آذربایجان جنوبی و دیگر ایالات شمالی ایران»، که بنا به نوشته‌ی مؤلف، در پاورقی صفحه‌ی ۴۵ کتاب این سند بوسیله دکتر **عنایت الله رضا** ترجمه شده است.

ضمیمه دوم با عنوان «دستورالعمل‌های محرمانه‌ی شوروی در مورد اقداماتی که باید جهت اجرای ماموریت ویژه در سراسر آذربایجان جنوبی و ایالات شمالی ایران اعمال شود». همچون ضمیمه نخست در ارتباط با موضوع سیاست‌های اتحاد جماهیر شوروی درباره جداسازی آذربایجان در

ماجرای فرقه دمکرات بعد از اشغال ایران در طی جنگ جهانی دوم است. **ضمیمه سوم** گفتگویی یازده صفحه‌ای است با **حجت‌الاسلام سید محمود دعایی** مدیر مسئول باسابقه‌ی روزنامه اطلاعات، درباره «رادیو نهضت روحانیت در ایران» که در آبان ماه سال ۱۳۸۶ انجام شده و در ارتباط موضوعی با فصل دوم کتاب یعنی «رادیو و جنگ» و مورد رادیوی مخالفان نظام سلطنت است که از خارج از مرزهای ایران و در عراق با هدایت حضرت امام خمینی شکل گرفت.

ضمیمه چهارم با عنوان «بازگشت به خویشتن؛ از تئوری تا عمل در گفتگو با احسان نراقی» گفتگویی هشت صفحه‌ای است با **احسان نراقی** جامعه‌شناس مشهور و از نظریه‌پردازان بومی‌گرایی در دوران محمدرضا شاه.

ضمیمه پنجم با عنوان «از رادیو زاهدان تا رادیو زندان» گفتگویی است خواندنی در دوازده صفحه با **امیر (غلام علی) نوری** گوینده باسابقه رادیو در عرصه‌ی شعر موسیقی که به نوعی در ارتباط با فصل پایانی این کتاب قرار می‌گیرد. کتاب تاریخ تحولات اجتماعی رادیو در ایران با فهرست منابع و مآخذ و نمایه پایان می‌پذیرد که البته در خصوص هر دو آن‌ها باید گفت دارای برخی نواقص هستند و فهرست منابع و مآخذ نسبت به آنچه در متن اثر آمده دارای برخی کاستی‌ها بوده و ترتیب الفبایی آن نیز تاحدی نامنظم است.

پی‌نوشت

- ۱ - با سپاس از آقای بهرنگ ذوالفقاری که اینجانب را از انتشار این کتاب مطلع و امکان معرفی آن را فراهم آورد.
- ۲ - بطور نمونه ن.ک:
- رادیو فرهنگ و سیاست در ایران (۱۳۱۹-۱۳۳۲)/ رضا مختاری اصفهانی؛ دفتر پژوهش‌های رادیو (تهران: طرح آینده، ۱۳۸۸)
- پهلویسم یا شبه مدرنیسم در ایران: نوسازی فرهنگ و هویت ایرانی - اسلامی به روایت اسناد رژیم پهلوی/ تحقیق و تدوین مجتبی زارعی، رضا مختاری اصفهانی (تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۸)
- غنا موسیقی/ مرکز تحقیقات مدرسه علمیه ولی عصر (عج)؛ به کوشش رضا مختاری، محسن صادقی (قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۷)
- گزارش‌های ایالات و ولایات از اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران در سال ۱۳۱۰، به کوشش رضا مختاری اصفهانی؛ تهیه و تنظیم مرکز اسناد ریاست جمهوری (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۳)
- اسنادی از انجمن‌ها و مجامع مذهبی در دوره پهلوی/ تهیه و تنظیم مرکز اسناد ریاست جمهوری؛ به کوشش حجت فلاح توتکار، رضا مختاری اصفهانی (تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۱)
- هنر اصفهان از نگاه سیاحان (از صفویه تا پایان قاجاریه)/ رضامختاری اصفهانی، علیرضا اسماعیلی (تهران: فرهنگستان هنر جمهوری اسلامی ایران، انتشارات، ۱۳۸۵)
- خاطرات محمد پیشگاهی فرد/ تدوین رضا مختاری اصفهانی؛ مصاحبه‌کننده مرتضی میردار (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵)
- حج ۲۵: گزارشی از حج گزارسی سال ۱۴۲۵ قمری برابر با سال ۱۳۸۳ شمسی/ رضا مختاری (تهران: مشعر، ۱۳۸۴)